

## آیت‌الله اراکی بیان کرد: تناقض درونی نظریه لیبرال-دموکراسی در اندیشه غربی



به گزارش ایکننا؛ جلسه درس خارج فقه نظام سیاسی امروز ۳ آذرماه با تدریس آیت‌الله محسن اراکی برگزار شد. اراکی در این جلسه به بحث درباره نظام لیبرال-دموکراسی پرداخت و اظهار کرد: در جلسات گذشته جایگاه مردم در نظام سیاسی اسلام را بررسی کردیم و در این جلسه، بحثی درباره لیبرال-دموکراسی یا نظام سیاسی مبتنی بر آرای مردم در اندیشه سیاسی غربی خواهیم داشت. با توجه به اینکه اندیشه سیاسی غرب، این نظام را مبتنی بر آرای مردم می‌شمارد، لذا در پایان بحثمان درباره نقش مردم در نظام سیاسی لازم است در این باره هم بحث کنیم و این نظام را هم مورد بررسی قرار دهیم. ابتدا باید واژگان بحث را تعریف کنیم. لاقلاً سه واژه اصلی داریم که باید آنها را تعریف کنیم: واژه دموکراسی؛ واژه لیبرالیسم؛ واژه دیکتاتوری و استبداد. لازم است ابتدا معنای این واژه‌ها را مورد بحث قرار دهیم.

وی افزود: واژه دموکراسی از دو بخش تشکیل شده است: «دمو» به معنای مردم و «کراسی» به معنای حکومت است. این «دموکراسی» یعنی حکومت مردم. در لغت‌نامه آکسفورد، در تعریف دموکراسی نوشته است: دموکراسی آن سیستم حکومتی است که مردم می‌توانند در کشور خودشان نمایندگان خودشان را انتخاب

کنند. منظور این است که از طریق نمایندگان<sup>۱</sup>شان حکومت تشکیل بدهند و حکومت از سوی نمایندگان اداره بشود. تا اینجا ما واژه دموکراسی را شناختیم، حالا باید پایه<sup>۲</sup>ای که این شیوه حکومت بر آن مبتنی است را بررسی کنیم.

مدرس حوزه علمیه تصریح کرد: همه مردم در حقوق یکسان هستند؛ از جمله در حق حاکمیت هم با هم یکسان هستند. اساساً هر حاکمیتی مبتنی بر این است که اراده حاکم بر اراده مردم غلبه داشته باشد و جایگاهش برتر باشد تا حق الزام و حق کیفر داشته باشد. دموکراسی از همان آغاز، دچار یک تناقضی از درون است. از طرفی مبتنی بر این است که همه مردم در حقوق یکسان هستند. از طرفی وقتی شخص در جایگاه حاکمیت قرار می<sup>۳</sup>گیرد، دستورش الزام<sup>۴</sup>آور است. مثلاً وقتی می<sup>۵</sup>خواهد مالیات بگیرد، مردم زیر بار مالیات نمی<sup>۶</sup>روند، ولی به آن الزام می<sup>۷</sup>شود. اراده حاکم باید طوری باشد که حکمش نافذ باشد. حالا این چگونه با یکسان بودن مردم در همه حقوق و اختیارات سازگاری دارد؟

وی در ادامه تصریح کرد: اصلاً مشکل حکومت از قدیم و از آغاز شکل<sup>۸</sup>گیری جامعه بشری همین بوده است. در قرآن کریم اشاره شده است وقتی دشمنان انبیا می<sup>۹</sup>خواستند مردم را از دعوت انبیا بازدارند، می<sup>۱۰</sup>گفتند: «مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَّفِهُنَّ لَعَلَّ يَكْفُرُكُمْ» (مومنون/۲۴). پس مسئله حکومت این است و تا شما این موضوع را حل نکنید، مشکل حکومت حل نمی<sup>۱۱</sup>شود. تا زمانی که شما نتوانید یک پایه منطقی برای برای اراده یک انسان بر سایر انسان<sup>۱۲</sup>ها پیدا نکنید، یک حکومت منطقی نخواهید داشت. مسئله مصلحت و منفعت هم نمی<sup>۱۳</sup>تواند این مسئله را توجیه کند. در تفکر سیاسی غرب نتوانستند این مشکل را حل کنند و هرچه در این زمینه گفته<sup>۱۴</sup>اند، شبیه لفاظی و شیوه<sup>۱۵</sup>های اقناعی بیانی و تبلیغاتی است که چیزی از آن در نمی<sup>۱۶</sup>آید.

منبع: خبرگزاری ایکننا